

معرفی سنگ نگاره‌های دوه دره‌سی شهرستان هوراند آذربایجان شرقی

سعید ستارنژاد* سیاوش عبدالهی** کیومرث کریمی*** مصیب نریمانی****

چکیده

هنر صخره‌ای را می‌توان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین جلوه‌های هنری جوامع انسانی در طول تاریخ در نظر گرفت؛ بر همین اساس، مطالعه و تحلیل هنر سنگ‌نگاره‌ها، در شناخت مناسبات اجتماعی، باورها، فرهنگ و سایر ابعاد زندگانی انسان، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. این نقوش از نظر انجام مطالعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخ هنر، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و تا کنون در مناطق مختلف جهان، سنگ‌نگاره‌های زیادی کشف و شناسایی شده‌اند. منطقه شمال غرب ایران، یکی از مناطق مستعد هنر صخره‌ای است. طی بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در حاشیه رودخانه دائمی قره‌سو در تابستان سال ۱۳۹۱، چندین مجموعه از سنگ‌نگاره‌ها شناسایی شدند. این سنگ‌نگاره‌ها دارای موتیف‌های متنوعی از جمله؛ نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و ابزار بوده که اغلب به‌صورت کوبشی (پتروگلیف) و به ندرت به‌صورت خراش در سطح سنگ‌های منفرد از هم، ایجاد شده‌اند. این پژوهش، به معرفی و مطالعه اجمالی سنگ‌نگاره‌های محوطه دوه دره‌سی شهرستان هوراند پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است؛ ۱. ساختار معیشتی جوامع این منطقه بر اساس نقوش سنگ‌نگاره‌ها چگونه بوده است؟ ۲. نگاره‌های ایجادشده بر روی سنگ‌ها در چند دسته قابل طبقه‌بندی هستند؟ مقاله حاضر، از روش توصیف و تطبیق محتوا بهره برده و داده‌های آن، به شیوه بررسی میدانی نگارندگان و مطالعات اسنادی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که این نقوش، در بر دارنده نقش‌مایه انسانی، حیوانی، نمادین و ابزار بوده و از نظر کمی و کیفی، شباهت‌هایی با نقوش مناطق مختلف ایران دارند. این مسئله می‌تواند ناشی از ارتباطات فرهنگی و مشابهت‌های زیستی و اجتماعی جوامع این مناطق باشد؛ همچنین بر اساس نگاره‌های ایجادشده، این جوامع، دارای ساختار معیشتی بر حسب دامداری (کوچ‌روی) بوده‌اند که الگوی غالب جوامع پیش از تاریخ این منطقه است.

کلیدواژه‌ها: شمال غرب ایران، دوه دره‌سی^۱، سنگ‌نگاره، گونه‌شناسی، دامداری

* saeidsattarnejad@yahoo

abdollahi.miras93@gmail.com

k.karimimiras@yahoo.com

Karadenizsaeid@yahoo.com

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

*** کارشناس ارشد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری، آذربایجان شرقی.

**** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

مقدمه

هنر صخره‌ای، یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های هنری زنده در دنیا بوده که طی هزاران سال تداوم یافته است (قسیمی، ۱۳۹۸: ۲۵). سنگ‌نگاره‌ها، شاخه‌ای از هنر صخره‌ای در بسیاری از جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، به‌عنوان ابزاری برای بیان افکار و اعتقادات (شیخ‌اکبری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶)، آیین‌ها و مذاهب یک فرهنگ (Gillette et al., 2014) (1) به‌کار گرفته شده‌اند. تا کنون تعداد قابل‌توجهی از این آثار، در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا و حتی استرالیا کشف و معرفی شده‌اند (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۲۴). هنر صخره‌ای از آنجایی که با زیبایی‌شناسی و نمادگرایی انسان‌های گذشته مرتبط بوده (David et al., 2013: 3)، باعث شده است تا این هنر از جنبه‌های گوناگون، در علوم مختلف از نظر باستان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، نمادشناسی، اسطوره و غیره، مورد پژوهش قرار گیرد (ناصری‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۶). منطقه شمال غرب ایران همانند سایر مناطق کشور به دلیل غنای فرهنگی، دارای آثار و شواهد فرهنگی فراوانی بوده که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این منطقه همانند سایر مناطق، تا کنون تعداد بسیاری از نقوش صخره‌ای شناسایی و معرفی شده‌اند که در این میان، منطقه قره‌داغ به‌خصوص حوزه رودخانه قره‌سو، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم سنگ‌نگاره‌های حوزه شمال غرب ایران مطرح است (کاظمی و رضالو، ۱۳۹۷: ۹). بر اساس مطالعات صورت‌گرفته پیرامون برخی از سنگ‌نگاره‌های این ناحیه همچون؛ سونگون (رفیع‌فر، ۱۳۸۱)، لقلان (رفیع‌فر، ۱۳۸۳)، شهریری (هورشید، ۱۳۸۶)، دوزداغی (Kazempur et al., 2011)، شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a) و مشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴)، شاهد تنوعی از نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و گیاهی هستیم.

در مطالعات سنگ‌نگاره‌های منطقه شمال غرب ایران آنچه مشهود است، بیش از همه آثار شهرستان مشکین‌شهر و اهر مورد توجه قرار گرفته و آثار صخره‌ای شهرستان هوراند بسیار ناشناخته باقی مانده‌اند. با توجه به تخریب‌های طبیعی و انسانی وارده بر این آثار فرهنگی، لزوم بررسی روشمند بر پایه مطالعات علمی با هدف شناسایی، ثبت و ضبط این آثار فرهنگی، ضروری احساس می‌شود؛ بر همین اساس، ضرورت ثبت و مطالعه سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی شهرستان هوراند، در تکمیل نقشه باستان‌شناسی کشور و مطالعات هنر صخره‌ای جوامع پیش از اسلام، از اهمیت فراوانی برخوردار است. توصیف نگاره‌ها، گونه‌شناسی و مطالعه تطبیقی آنها با

مناطق هم‌جوار نیز از مسائلی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ همچنین، مقایسه نگاره‌های جانوری با زیست‌محیط منطقه، مسئله دیگری است که با بررسی آن می‌توان سابقه وجود این گونه جانوری در منطقه را بیان کرد. بنابراین، شناخت و تبیین ماهیت سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی، گام مهمی در شناخت پیشینه فرهنگی حوزه قره‌سو و شهرستان هوراند است.

پژوهش حاضر که در واقع نخستین کار علمی در بررسی آثار صخره‌ای ناحیه نواسر شهرستان هوراند است، می‌کوشد تا ضمن شناسایی و تجزیه و تحلیل نگاره‌ها، تا حد امکان به پرسش‌های اساسی پاسخ دهد؛ ۱. ساختار معیشتی جوامع این منطقه بر اساس نقوش سنگ‌نگاره‌ها چگونه بوده است؟ ۲. نگاره‌های ایجادشده بر روی سنگ‌ها در چند دسته قابل طبقه‌بندی هستند؟ فرضیه‌های مطرح‌شده درباره این نگاره‌ها عبارت هستند از؛ ۱. بر اساس نگاره‌های ایجادشده به‌خصوص نقش‌مایه بز و مطالعه تطبیقی با داده‌های باستان‌شناختی، الگوی استقرار و ساختار معیشتی جوامع ساکن این منطقه در دوران پیش از اسلام، به‌صورت کوچ‌روی (دامدار) و بدون ارتباط با استقرار دائم بوده است. ۲. نقش‌مایه‌های ایجادشده بر روی سنگ‌ها، در ۴ گونه (انسانی، حیوانی، نمادین، ابزار) قابل دسته‌بندی هستند.

پیشینه پژوهش

پژوهش پیرامون هنر صخره‌ای ایران، در سده‌های اخیر رشد بسیاری یافته است (ناصری‌فرد، ۱۳۹۵) و گزارش‌های بیشتری در مورد این نوع آثار فرهنگی به‌صورت مقاله‌ها، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی، قابل استفاده هستند. در اینجا تعدادی از مطالعات انجام‌شده به‌عنوان پیشینه پژوهش حاضر، ارائه می‌شوند:

پیشینه و آغاز پژوهش‌های نقوش صخره‌ای در ایران، توسط پژوهشگران ایتالیایی صورت گرفته است. زمین‌شناسان ایتالیایی در سال ۱۹۵۸ میلادی در منطقه بلوچستان، مشغول فعالیت کشف و استخراج مواد معدنی بوده که تعدادی از نقوش صخره‌ای را در ناحیه گزو کشف و شناسایی کردند (Dessau, 1960). حمید ایزدپناه (۱۳۴۸)، از نخستین پژوهشگران ایرانی بوده که گزارش‌هایی درباره نقوش صخره‌ای برخی از غارهای کوه‌دشت لرستان ارائه کرده است. مک بورنی در سال ۱۹۶۹، نقوش صخره‌ای دوشه و میرملاس را بررسی کرده است (بورنی، ۱۳۴۸). صراف و بشاش (۱۳۶۶)، نقوش صخره‌ای توپسرکان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌های زیادی درباره نقوش صخره‌ای از مناطق مختلف

عنوان "سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون)" به چاپ رسید. نقش‌مایه‌های سنگ‌نگاره‌های سونگون از نظر تنوع (نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و غیره) و قدمت، اهمیت زیادی دارند (رفیع‌فر، ۱۳۸۱). مجموعه سنگ‌نگاره‌های دایی ممیغ نیز مجموعه‌ای دیگر از نقوش صخره‌ای منطقه ارسباران است که در این محوطه بر روی قطعه‌سنگ‌ها، نقوش انسانی و حیوانی کار شده‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۳). محوطه دوزداغی شهرستان اهر، دارای نقوش انسانی، حیوانی و نمادین است (Kazempur et al., 2011). در استان آذربایجان غربی در مناطقی چون؛ خره هنجیران مهاباد (محمدی قصریان و نادری، ۱۳۸۶) و عقربلو (Binandeh, 2016)، سنگ‌نگاره‌هایی وجود دارند. این سنگ‌نگاره‌ها عموماً شامل نقوش انسانی، حیوانی و نمادین هستند. تا کنون در استان اردبیل نیز سنگ‌نگاره‌هایی در شهرستان مشکین‌شهر شناسایی و معرفی شده‌اند. این شهرستان از نظر تعداد نقوش صخره‌ای، یکی از کانون‌های مهم منطقه شمال غرب ایران است و تا کنون در محوطه‌هایی از قبیل؛ شهریری (هورشید، ۱۳۸۶)، شیخ‌مادی (Kazemi et al., 2016 a)، مجموعه داش (Kazemi et al., 2016 b) و مشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴)، نقوش صخره‌ای، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بیشتر نقوش، شامل نقش انسانی، حیوانی، گیاهی، نمادین، ابزار و غیره هستند (کاظمی، ۱۳۹۳).

پژوهش در زمینه نگارنده‌های صخره‌ای شهرستان هوراند و قسمت‌های شمالی رودخانه قره‌سو، به ندرت انجام گرفته است. در این پژوهش برای نخستین بار ضمن معرفی سنگ‌نگاره‌های تازه کشف شده در محوطه دوه دره‌سی، به ارتباط یا عدم ارتباط آنها با الگوی استقرار جوامع منطقه در دوره‌های مختلف و حیات جانوری منطقه نیز پرداخته شده است. از همین‌رو، مطالعه هنر صخره‌ای حاشیه رودخانه قره‌سو واقع در شهرستان هوراند می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره شکل‌گیری، تحول و کارکرد هنر صخره‌ای این منطقه در اختیار پژوهشگران و متخصصان هنر قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش در پی آن است که در مرحله نخست با تکیه بر مطالعات میدانی (بررسی باستان‌شناختی)، سنگ‌نگاره‌ها را شناسایی و مستندنگاری کند. در این بخش، نخست از دستگاه GPS برای ثبت و ضبط اطلاعات موقعیت جغرافیایی محوطه استفاده شد و سپس اطلاعات موجود از قبیل؛ تعداد سنگ‌های منقوش، موقعیت و محل قرارگیری نقوش، نوع نقش، تکنیک به کار رفته، ابعاد و عمق نقوش، گونه‌شناختی، سبک‌شناسی و غیره در قالب فرم مخصوص، تهیه، ثبت و

ایران گزارش شده‌اند؛ از جمله در استان قم بخش خلجستان، بیش از ۳۰ مجموعه سنگ‌نگاره شناسایی شده است (کریمی، ۱۳۸۶). در مناطق مرکزی ایران به‌خصوص در محدوده تاریخی تیمره (شهرستان‌های خمین، محلات، گلپایگان، نیمه‌ور و دلیجان)، نقوش صخره‌ای زیادی توسط مرتضی فراهادی (۱۳۷۷) شناسایی و معرفی شدند. در قسمت‌های جنوبی استان قزوین به‌خصوص در مناطقی از یازلی و قلچ‌کندی، سنگ‌نگاره‌هایی شناسایی شده‌اند (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶). مناطقی از غرب کشور همچون نقش‌مایه‌های غار چشمه سهراب کرمانشاه، در سال ۱۳۸۶ خورشیدی توسط هیئتی به سرپرستی فریدون بیگلری مورد بررسی قرار گرفته و آنها را به دوران سلوکی- اشکانی یا ساسانی نسبت دادند (بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶). در محوطه سرخه لیزه (شیدرنگ، ۱۳۸۶) و کردستان (Lahafian, 2013) نیز آثاری از سنگ‌نگاره‌ها شناسایی شده‌اند. در استان همدان، از مناطقی همچون؛ کمرنبشته توپسرکان (صراف و بشاش، ۱۳۶۶)، ازندریان (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳) و ارگس (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، سنگ‌نگاره‌هایی شناسایی و گزارش شده‌اند. در شهرستان بستک (اسدی، ۱۳۸۶) و رودان استان هرمزگان، گزارش‌هایی درباره نقوش صخره‌ای ارائه شده‌اند. در شرق ایران به‌خصوص خراسان جنوبی، برای اولین بار در سال ۱۳۳۰، مطالعات باستان‌شناسی درباره سنگ‌نگاره‌ها و کتیبه‌های پهلوی اشکانی کال جنگال توسط جمال رضایی و صادق کیا (۱۳۳۰) انجام شدند. سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند که در مجموع ۳۰۷ نقش و کتیبه را شامل شده، در سال ۱۳۷۱ خورشیدی شناسایی و مطالعه شدند (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳). مجموعه سنگ‌نگاره‌های جر جت (جاجرم) شامل؛ نقوش جانوری، انسانی، گیاهی، ابزار، هندسی، کتیبه‌های فارسی، عربی و غیره هستند. این نگاره‌ها عموماً از دوران مفرغ تا اسلامی را شامل می‌شوند. در خراسان رضوی و در دشت توس، سنگ‌نگاره‌های متعددی شناسایی شده‌اند (بختیاری شهری، ۱۳۸۸). طرح پژوهشی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی، توسط حمیدرضا قربانی و همکاران (۱۳۹۴) انجام شد. در استان‌های سمنان، فارس، یزد، لرستان، سیستان و بلوچستان و سایر مناطق ایران نیز تا کنون نقوش صخره‌ای شناسایی و معرفی شده‌اند.

منطقه شمال غرب ایران، یکی از مناطق مهم در مطالعات هنر صخره‌ای است. خوشبختانه مطالعات باستان‌شناختی در زمینه هنر صخره‌ای در منطقه شمال غرب ایران، به تدریج رو به انسجام هستند. نخستین پژوهش درباره نقوش صخره‌ای این منطقه، در مقاله‌ای توسط رفیع‌فر (۱۳۸۱) با

ضبط شدند. در مرحله دوم که با روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام شد، نتایج حاصل از بررسی میدانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این مرحله با بهره‌گیری از نرم‌افزار AutoCAD، نگاره‌ها طراحی شدند. همچنین برای دستیابی به نتایج پژوهش، از روش توصیفی و مقایسه‌ای استفاده شد که در این مرحله، به مقایسه نگاره‌های این محوطه با سایر مناطق پرداخته شده است.

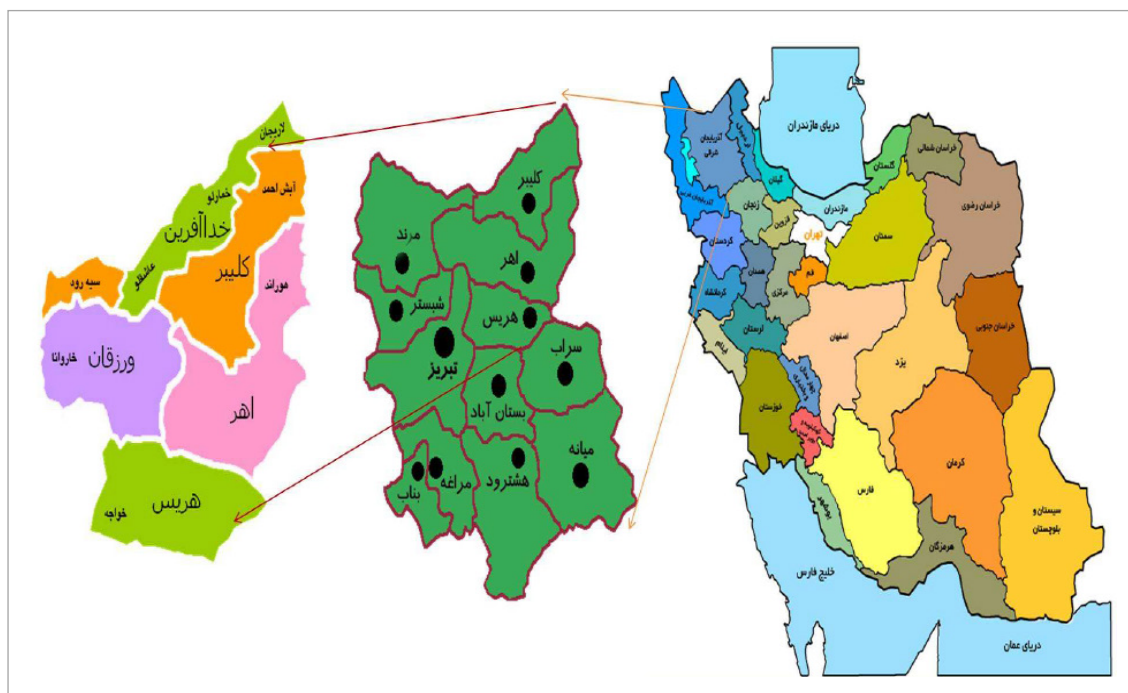
موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

سنگ‌نگارهای دوه دره‌سی، در نزدیکی روستای نواسر از توابع شهرستان هوراند در استان آذربایجان شرقی واقع شده‌اند (تصویر ۱). این روستا، در فاصله حدود ۱۶ کیلومتری شهرستان هوراند و در حاشیه رودخانه دائمی و پرآب قره‌سو قرار دارد (کاظمی و رضالو، ۱۳۹۷: ۱۳۱). این ناحیه، دارای ییلاق‌های عالی با مراتع سرسبز و جنگل‌های انبوه بوده است و از طرفی، نقاط گرم و قشلاقی آن، امکان هر گونه اقتصاد روستایی متکی به فعالیت‌های دامداری و کشاورزی را فراهم کرده‌اند (بایبوردی، ۱۳۴۲: ۲۳). با این حال، کار اکثر مردم گله‌داری بوده و به کارهای کشاورزی چندان اهمیتی داده نشده است (کاظمی و رضالو، ۱۳۹۷: ۱۳۱). جمعیت عشایر این ناحیه، بیشتر از ایلات ارسباران و ایل سون‌ها تشکیل شده است. شمال این ناحیه، بیشتر به‌عنوان منطقه قشلاقی ایل ارسباران و جنوب آن، به‌عنوان منطقه ییلاقی این ایل

مورد استفاده قرار می‌گیرد (دوستی، ۱۳۷۳: ۳۹-۳۲). در مجموع، منطقه ارسباران، کوهستانی و سردسیر با معادن فراوان جنگل‌ها است. مهم‌ترین منبع تأمین آب منطقه، رودخانه قره‌سو است. بر اساس مطالعات باستان‌شناختی صورت گرفته در این منطقه، محوطه‌های زیادی از دوره‌های مختلف فرهنگی شناسایی شده‌اند (کریمی، ۱۳۹۲: ۷).

سنگ‌نگارهای دوه دره‌سی

نقوش صخره‌ای دوه دره‌سی، در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرقی روستا و در مختصات جغرافیایی ۷۱۹۰۳۱،۴۲ شرقی، ۴۲۸۷۵۳۴،۰۲ شمالی و میانگین ارتفاع ۶۷۰ متر از سطح دریا قرار دارند. نقوش بر روی سنگ‌های منفرد از نوع ماسه‌سنگی و گرانیتی ایجاد شده‌اند. این سنگ‌ها بر روی تراس شیب‌دار و مشرف به رودخانه دره‌رود و به فاصله حدود ۳۰۰ متری آن قرار دارند. نگاره‌ها در محوطه حدود ۲ هکتاری در حاشیه رودخانه دره‌رود بر روی صدها تخته‌سنگ کوچک و بزرگ در دامنه تپه‌ای که با شیب ملایم به دره‌رود منتهی می‌شود، پراکنده شده‌اند (تصویر ۲). مجموعه سنگ‌نگاره‌ها بر روی سنگ‌های منفرد به رنگ‌های سیاه^۲ و قهوه‌ای تیره، در اثر عوامل طبیعی بر سطح زمین پراکنده شده‌اند. نقوش بر روی سنگ‌ها در ابعاد مختلف ایجاد شده که بزرگ‌ترین آنها ابعاد ۵۰×۳۰×۲۰ سانتی‌متر و کوچک‌ترین آنها ابعاد ۲۰×۱۰×۴۰ سانتی‌متر دارند. نقوش برخی از سنگ‌ها به دلیل فرسایش



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (کریمی، ۱۳۹۲: ۹۸).

است (تصویر ۳). پس از طبقه‌بندی، آمار جامعی از تعداد نقوش به‌دست آمد و بر طبق آن مشخص شد که هر گروه از طرح‌ها چه درصدی از کل نقوش منطقه را به خود اختصاص داده‌اند (تصویر ۴).

نگاره‌های انسانی

نقش انسان در سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی، در حالت‌های مختلف ایجاد شده است. تعداد نقوش انسانی نسبت به نگاره حیوانی، کمتر است (۸٪). با توجه به شکل ظاهری نقوش، به نظر می‌رسد جنسیت نقوش مذکر بوده است؛ به‌طوری که هیچ نشانه‌ای از اندام‌ها و یا پوشش زنانه به چشم نمی‌خورد. نقوش انسانی نیز به دسته‌های زیر قابل طبقه‌بندی هستند: الف) انسان سوار کار: این نگاره، انسانی اسب‌سوار را نشان می‌دهد که در دست راست خود ابزاری شبیه به شمشیر دارد و دست چپ خود را رو به جلو برده که در کنار این نگاره، نقش بز ترسیم شده است. این نقوش، به‌صورت ساده و با حداقل خطوط و بدون نمایش حجم ارائه شده‌اند.

ب) انسان پیاده: انسان پیاده در نگاره‌های دوه دره‌سی، در ۷ نگاره ایجاد شده است. در این نگاره‌ها، انسان در حالت‌های مختلف از قبیل؛ چرای حیوانات، شکار و حالت دسته‌جمعی بوده که به نظر می‌رسد در حال اجرای مراسم آیینی-مذهبی هستند. در یکی از نگاره‌ها، دست‌های انسان رو به بالا با ابزار و بدون ابزار به تصویر کشیده شده‌اند. نقوش به‌صورت تمام‌رخ و ساده ترسیم شده‌اند. در دست یکی از انسان‌ها ابزاری شبیه به چوب‌دستی بلند دیده می‌شود که قسمت انتهایی آن، به خطوط گرد و محصور متصل بوده و با دو دست در بالای سر خود، در حالت انداختن یا پرتاب نگه داشته است. نکته جالب

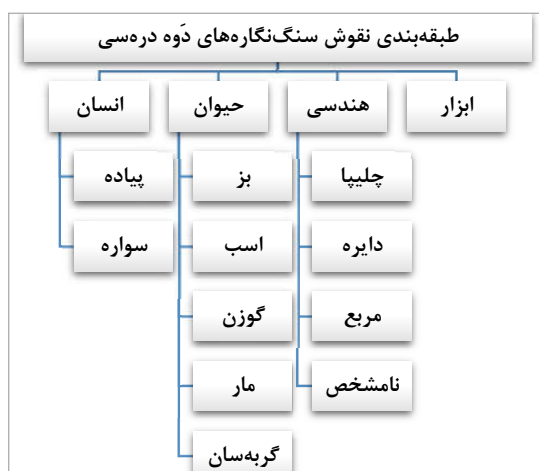
و رسوب‌گذاری، قابل رؤیت نبوده‌اند و به سختی می‌توان نگاره‌ها را مشاهده کرد. شیوه ایجاد نقوش نیز اغلب به‌صورت کوبشی (پتروگلیف) بوده است و به ندرت از روش خراش و نقر استفاده کرده‌اند. سبک نگاره‌ها نیز عموماً مسبک و گاهی طبیعت‌گرایانه بوده و بیشتر نقوش به‌صورت نیم‌رخ هستند. در اجرای نقوش، از شیوه تک خط و بعضی موارد از شیوه توپر به‌خصوص در نشان دادن نقوش ترکیبی انسان و اسب استفاده کرده‌اند. در مورد آسیب‌شناسی این سنگ‌نگاره‌ها، بیشتر عوامل طبیعی تأثیرگذار بوده که باعث ترک‌خوردگی و شکستگی سطح سنگ شده‌اند.

دسته‌بندی و گونه‌شناسی نگاره‌ها

تعداد سنگ‌هایی که نقوش بر آنها ایجاد شده، حدود ۳۷ عدد است که بر روی بعضی قطعه‌سنگ‌ها تنها چند نقش و بر روی بعضی دیگر، نقوش زیادی وجود دارند. مجموعه سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی نخست بر اساس چهار متغیر، به گروه‌های نقوش انسانی، حیوانی، هندسی-نمادین و ابزار تقسیم‌بندی شدند و سپس در چارچوب همین طبقه‌بندی، به گونه‌شناسی آثار پرداخته شد. گفتنی است هر یک از این آثار بر اساس نوع و سبک، به زیرگروه‌های مجزا قابل تقسیم‌بندی



تصویر ۲. عکس هوایی محوطه دوه دره‌سی (نگارندگان)



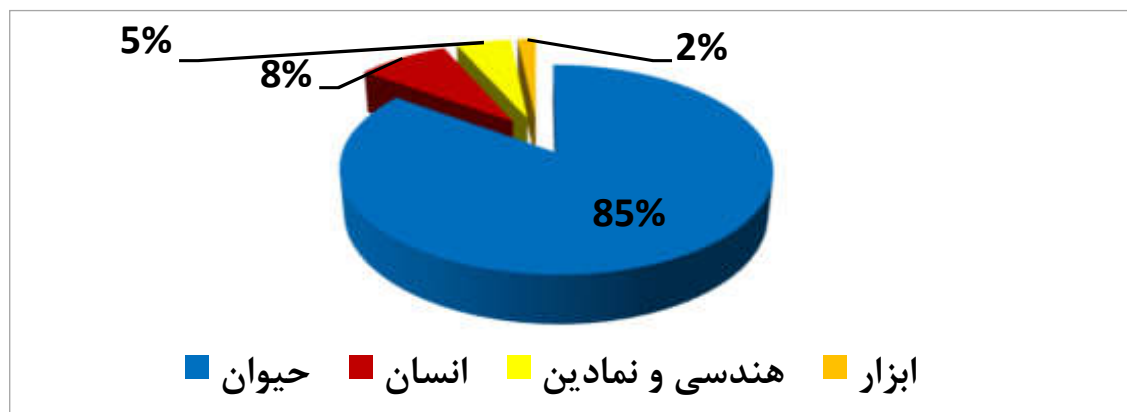
تصویر ۳. طبقه‌بندی نقوش سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی بر اساس ماهیت نقش (نگارندگان)

۱۳۹۴: ۶۷)، جازموریان (شیخ‌اکبری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۳)، قوبوستان (Farajova, 2012: 933)، گمی قایا (Halilov, 2017: 108) و غیره دارد.

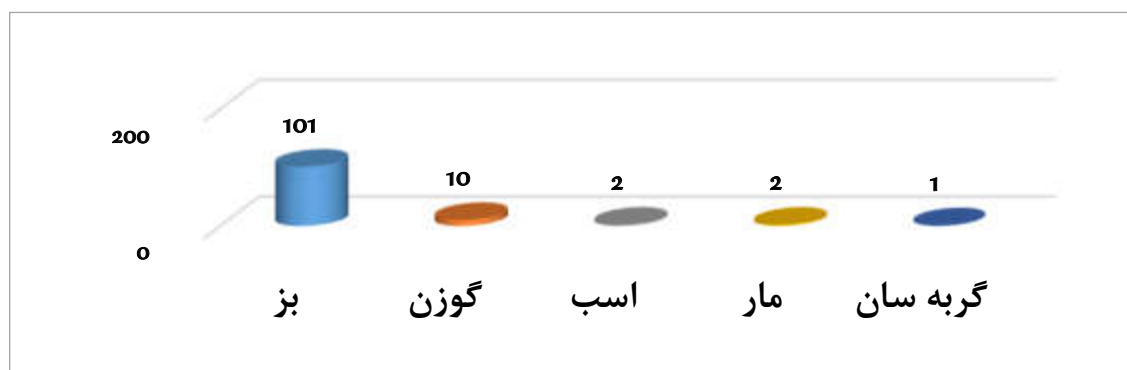
نگاره حیوان

نگاره‌های حیوانی دوه دره‌سی، شامل نقوش بز (۹۳٪)، گوزن (۵٪)، مار (۱٪)، اسب (۱٪) و گربه‌سانان (۰۵٪) هستند که در بین آنها، نقش بز با درصد بالایی (۹۳٪) نسبت به سایر نقوش ایجاد شده است (تصویر ۵). تمام نگاره‌های بزها با بدنی خطی و بدون دم یا با دم‌ها رو به بالا طراحی شده‌اند. واضح‌ترین تفاوت، در نوع شاخ‌ها مشاهده می‌شود که از این نظر، می‌توان به ۳ دسته کلی تقسیم کرد: ۱. بزهای با شاخ‌های هلالی بسیار بلند، ۲. بزهای با شاخ‌های کوتاه، ۳. بزهای با شاخ‌های رو به بالا و ساده (جدول ۲). این نقوش، با نمونه‌هایی از لقلان (رفیع‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، قوشاداش ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۵۴)، دوزداغی اهر (Kazempur et al., 2011: 386)، شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a: 21)، مجموعه داش مشکین‌شهر (Kazemi et al., 2016 b: 324)، خره هنجیران (محمدی و نادری، ۱۳۸۶: ۶۴)، عَقربلو (Binandeh,






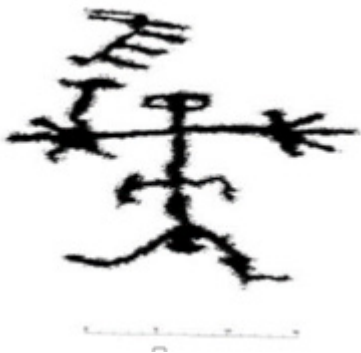


در این نگاره، ترسیم انگشتان دست یکی از انسان‌ها و همچنین فرم کلاه‌ها است؛ به‌طوری که یکی از کلاه‌ها نوک‌تیز بوده و دیگری به‌صورت ساده ترسیم شده است. با توجه به حالت نگاره، به نظر می‌رسد صحنه، مربوط به شکار بز کوهی است. در یکی از تصاویر نیز چهار انسان در کنار هم در حالی که دست‌های همدیگر را گرفته، به تصویر کشیده شده‌اند (جدول ۱)؛ این حالت، در نگاره‌های قوبوستان نیز مشاهده شده است (Farajova, 2018) که بنا بر اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، این نقوش، بیانگر رقص‌های سنتی و آیینی جوامع انسانی منطقه هستند (فیاض و ایزدی جیران، ۱۳۹۰). حالت ایستایی و شیوه نمایش این نگاره‌ها، شباهت به نقوش انسانی در سنگ‌نگاره‌های شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a: 21)، مجموعه داش مشکین‌شهر (Kazemi et al., 2016 b: 324)، ارگس سفلی ملایر (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲)، ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۵۴)، دوزداغی (Kazempur et al., 2011: 386)، مَشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴: ۳)، شهریری (هورشید، ۱۳۸۶: ۸۳ و ۸۴)، خره هنجیران (محمدی و نادری، ۱۳۸۶: ۶۳)، کردستان (Lahafian, 2013: 341-342)، محوطه خزان خراسان جنوبی (قربانی و همکاران،



تصویر ۴. درصد فراوانی نقوش دوه دره‌سی به تفکیک نگاره‌ها (نگارندگان)


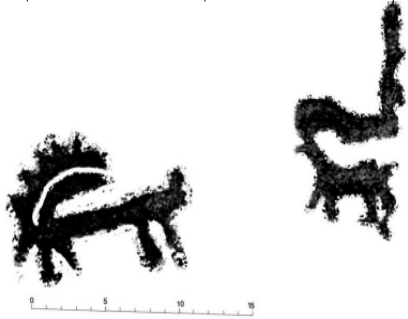






تصویر ۵. فراوانی نقوش حیوانی بر اساس تعداد (نگارندگان)

(نگارندگان)

جدول ۲. نگاره‌های حیوانی تپه دره‌سی

(نگارندگان)

مختلف از قبیل شکارگاه یا چراگاه ترسیم شده‌اند. در ایجاد نقش بز همانند سایر مناطق، در شکل شاخ‌ها اغراق شده است. نقش اسب در کنار سوارکار ترسیم شده و سایر نقوش عموماً به صورت منفرد یا دسته‌جمعی هستند. به طور کلی، نقوش دوه دره‌سی، به شیوه ساده و استریلیزه ایجاد شده‌اند.

نگاره نمادین و هندسی

در میان نگاره‌های دوه دره‌سی، شواهدی از اشکال ساده یا نامشخص هندسی طراحی شده‌اند. این نقوش، به صورت چلیپا، دایره، مربع و نقوش نامشخص ایجاد شده‌اند. تعداد این نقوش در کل مجموعه، به ۷ عدد می‌رسد که در اندازه‌های مختلف ترسیم شده‌اند (جدول ۳). نمونه این نقوش، در نقش مایه‌های

(14: 2016، شهریری (هورشید، ۱۳۸۶: ۸۳ و ۸۴)، ارگس همدان (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰)، ازندریان ملایر همدان (Azandaryani et al., 2015: 204)، مشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴: ۴)، کردستان (Lahafian, 2013: 333)، جازموریان (شیخ‌اکبری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۳)، گمی قایا نخجوان (Aliyev, 2003: 696) و سایر مناطق، قابل مقایسه هستند.

از دیگر نگاره‌های حیوانی شاخص در این محوطه، باید به نگاره گوزن اشاره کرد. این حیوان، با شاخ‌های بلند و خاردار به تصویر کشیده شده است. همچنین در نگاره‌های دوه دره‌سی، تصاویری از اسب بدون زین، مار و یک مورد نقش حیوان گربه‌سان دیده می‌شود که به طور کلی، این نقوش در حالت‌های

جدول ۳. نگاره‌های هندسی و نمادین دوه دره‌سی

(نگارندگان)

ارسیاران (رفیع فر، ۱۳۸۱: ۵۹)، مشیران (بیننده و فتاح‌زاده، ۱۳۹۴: ۳)، لقلان (رفیع فر، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، شیخ‌مدی (کاظمی و رضالو، ۱۳۹۷)، کردستان (Lahafian, 2013: 333)، خراسان جنوبی (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵)، ارگس سفلی همدان (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۹)، قوبوستان (Farajova, 2018: 78-98) و غیره، قابل مشاهده است.

گاه‌نگاری نگاره‌ها

گاه‌نگاری هنر صخره‌ای در برخی از مناطق جهان از قبیل؛ تیمور شرقی (Aubert et al., 2007)، آفریقای جنوبی (Watchman et al., 2003)، نیوزلند (Oregan et al., 2019: 132) و استرالیا (David et al., 2013: 3-10)، متکی به روش‌های "سن سنجی اورانیوم" و مطالعات "رادیوکربن" بوده است. با این حال، در بررسی نقوش صخره‌ای ایران، یکی از موانع اصلی، نبود امکانات آزمایشگاهی برای گاه‌نگاری مطلق بوده که باعث ارائه نشدن یک چارچوب زمانی مشخص و کامل برای این حوزه از پژوهش‌های باستان‌شناختی است؛ بنابراین، دانسته‌های اندک ما درباره نقوش صخره‌ای ایران، بیشتر توصیفی و گاه‌نگاری آنها به صورت نسبی و بر پایه شواهد مبهم مقایسه سبک‌شناسی، فنی، مواد فرهنگی (قسیمی، ۱۳۹۸: ۳۶) و یا بررسی باستان‌شناختی و چشم‌اندازی که این نقوش در آن قرار دارد (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶)، انجام شده است که بر اساس آن، دوره‌های مختلفی از پارینه‌سنگی (ناصری فرد، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۰)، هزاره چهارم و پنجم ق.م. (پوربخشنده، ۱۳۸۶: ۴۹)، مفرغ میانی (میراسکندری و منصوری، ۱۳۹۵: ۱۱۷)، هزاره اول ق.م. (عرب و هورشید، ۱۳۹۶: ۱۳۹)، اشکانی (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۷)، ساسانی و پس از آن (خانی‌پور و عزیزی خرائقی، ۱۳۹۱: ۴۳) و اسلامی (عرب و هورشید، ۱۳۹۶: ۱۳۹)، در نظر گرفته شده‌اند.

در این پژوهش، نگارندگان ضمن در نظر گرفتن موارد فوق، با اتکا به راه‌های زیر، گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ ۱. بررسی و تحقیق نوع جانوران اهلی با اتکا به دوره زمانی اهلی شدن حیوان در منطقه، ۲. نوع ابزارآلات ایجادشده، ۳. کهنه و نو بودن اثر نگاره‌ها و غیره که متکی به تاریخ‌گذاری نسبی نقوش و توجه به صحنه‌ها است که در نهایت و با این تفاسیر، نگاره‌های دوه دره‌سی هوراند در دو دوره ایجاد شده‌اند؛ دوره نخست (سطح اول) که نقوش آن به سختی قابل رؤیت هستند، عموماً شامل نقش حیوان بز بوده و فاقد نقوش ابزارآلات و اسب است. با توجه به اینکه نقش ابزارآلات در این نقوش وجود ندارد، می‌توان

زمان ایجاد این نگاره‌ها را مربوط به قبل از استفاده انسان از حیوان اسب و شمشیر در منطقه شمال غرب ایران دانست. نقوش دوره دوم (سطح دوم): نقوش این سطح، بر روی نگاره‌های سطح اول (قدیمی) ایجاد شده؛ بنابراین نقوش سطح دوم، متأخرتر از سطح اول بوده‌اند. در این دوره علاوه بر نقش بز، شاهد نگاره‌های اسب، ابزارآلات همچون شمشیر به کمر بسته و کلاه هستیم. با توجه به نظریاتی که درباره نقش اسب و انسان سوارکار وجود داشته که قدمت این نقوش را حداکثر به هزاره اول ق.م. نسبت داده‌اند (محمدی قصریان و نادری، ۱۳۸۶: ۶۳)، بنابراین می‌توان نقوش سطح اول (نقوش بدون شمشیر و اسب) را مربوط به قبل از هزاره اول ق.م. (عصر مفرغ متأخر) در نظر گرفت و گاه‌نگاری نقوش سطح دوم را مربوط به هزاره اول ق.م. دانست.

تحلیل نقوش دوه دره‌سی

مدارک و شواهد موجود برای تحلیل و تفسیر نقوش صخره‌ای، نسبتاً محدود بوده که بر همین اساس، اغلب تفاسیر، متکی به فرضیه‌های شخصی پژوهشگران هستند. با این حال، این نگاره‌ها بر روی صخره‌ها با هدف خاصی و در مکان‌های مشخص جغرافیایی ترسیم شده؛ به طوری که به صورت تصادفی یا اتفاقی توسط چوپانان ایجاد نشده‌اند (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۱۶). بنابراین، ایجاد نقوش صخره‌ای در کنار بیان اندیشه طراح، انگیزه‌های دیگری از قبیل؛ اعتقادی، باورهای شمنی (Yates et al., 1991)، رقص‌های آیینی - مذهبی (فیاض و ایزدی جیران، ۱۳۹۰)، تعیین محدوده قلمرو کوچ و غیره را در نظر گرفته است (گاردنر، ۱۳۶۵: ۳۱)؛ بر همین اساس، در تفسیر کارکرد و هدف ایجاد سنگ‌نگاره‌ها، باید مکان شکل‌گیری نقوش، اهمیت یا تمایز آن مکان نسبت به مکان‌های دیگر، نحوه ارتباط میان آن مکان با محوطه‌های استقرار، نوع نقوش، تعداد نگاره‌ها، روایتگری نقوش و ارتباط نقوش با فرهنگ بومی منطقه، مورد توجه قرار گیرد (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۱۶).

در این پژوهش، ارتباط بین نقوش دوه دره‌سی با محوطه‌های تدفینی و استقرارهای منطقه، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داده که در حوزه رودخانه قره‌سو، محوطه‌هایی از دوره مفرغ به‌خصوص در قالب گورستان و استحکامات دفاعی، به وفور قابل مشاهده هستند. فرهنگ عصر مفرغ این منطقه، بخشی از یک فرهنگ گسترده بوده که بخش‌های وسیعی از شرق آناتولی، شمال عراق، قسمت‌های جنوبی قفقاز و شمال غرب ایران را شامل می‌شود (Kushnareva et al., 1997: 44). این مردمان عموماً دامداران کوچ‌رویی بوده

بود. در کاوش‌های باستان‌شناختی برخی از محوطه‌های شمال غرب ایران مانند: یانیک تپه (برنی، ۱۳۹۰: ۱۰۹)، دینخواه (Muscarella, 1974: 40)، شاه‌تختی آذربایجان (Halilov, 2013: 209)، گتاشن ارمنستان (Kushnareva et al., 1997: 100) و غیره، شواهدی از نقش‌گوزن دیده می‌شوند. از سوی دیگر، نام جای برخی از محوطه‌ها نیز نشانگر وجود این حیوانات در منطقه است. به نظر می‌رسد در گذشته، این حیوان توسط ساکنان (اسب‌سوار) این منطقه شکار می‌شده است.

نقوش نمادین و هندسی در سنگ‌نگاره‌های این منطقه از لحاظ معنایی، دارای ارزش و تأویل‌پذیری زیادی هستند. این نقوش، در صخره‌نگاره‌های سونگون نیز وجود دارند (رفیع‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۳). دایره، مظهر روح و نشانی از کیهان و آسمان و خدایان (هال، ۱۳۸۷: ۹) و نماد خورشید بوده؛ بنابراین، یکی از مناسک محوری در فرهنگ و جامعه آذربایجان، مناسک دعوت از خورشید و ستایش آن بوده است (فیاض و ایزدی جیران، ۱۳۹۰: ۲۵). با این تفاسیر، به نظر می‌رسد این نماد، با باورهای شمنی ارتباط معناداری داشته باشد و طراحان این نماد سعی کرده با ایجاد نقش خورشید، به صورت نمادین، به ستایش آن بپردازند.

بررسی نشان‌شناسی و تحلیل محتوایی سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی نشان می‌دهد اغلب این نقوش، با جامعه کوچ‌رو و شکارگر که متکی به فعالیت‌های دامداری بوده، در ارتباط هستند که بر همین اساس در نگاره‌ها، شواهدی از نقوش مرتبط با جامعه کشاورز دیده نمی‌شوند. از سوی دیگر، طراحان این نقوش عموماً در حاشیه رودخانه و مسیرهای چراگاه‌ها نقوش را ایجاد کرده‌اند که یکی از رویکردهای اهدایی آنها، انتقال پیام به صورت انتزاعی برای سایر گروه‌های اجتماعی ساکن در این منطقه بوده است. بر اساس مطالعات قوم باستان‌شناختی، امروزه نیز عشایر با استفاده از روش‌های بسیار ابتدایی همچون انباشت سنگ، محدوده قلمرو چراگاه‌های خود را مشخص می‌کنند.

که با فعالیت‌های کشاورزی نیز آشنایی داشته (Burney, 1994: 47) و بر اساس نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی در این دوره، حیواناتی همچون گوسفند و بز، نسبت به قبل، افزایش بیشتری پیدا کرده‌اند (Aliyev, 2007: 89). مطالعه نگاره‌ها نشان می‌دهد که بالای ۸۰ درصد آنها، متعلق به حیوان بز بوده؛ این آمار گویای آن است که حیوان غالب در جامعه عشایر کوچ‌رو این منطقه، بز بوده است. مطالعات انجام‌شده در رابطه با ترکیب دام‌های دو گروه عشایر در شرایط کوچ و اسکان‌یافته نشان می‌دهند که در شرایط کوچ، تعداد بز نسبت به گوسفند، زیادتر است (کفیل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۲) و ویژگی‌های ارزشمند این دام مثل؛ چابکی و مقاومت بیشتر نسبت به گوسفند (ری، ۱۳۷۲: ۴۹)، چند منظوره بودن (تولید شیر، گوشت و الیاف)، مقاومت بالا در برابر شرایط سخت محیطی، قانع بودن (بدیعی، ۱۳۷۸: ۲۵۶)، تغذیه از مواد خشبی کم‌ارزش مثل سرشاخه‌ها و بوته‌زارها که برای دام‌های دیگر قابل استفاده نیست و در نهایت، هزینه پایین نگهداری در مقایسه با سایر دام‌ها سبب شده‌اند که انسان به این حیوان توجه خاص نموده و همواره به پرورش آن به عنوان یک حیوان مفید و پربازده مشغول باشد (پاپی، ۱۳۹۸: ۱). بنابراین، اقتصاد جوامع عشایر متکی، به مراتب، چرای زراعی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش بستگی دارد و لذا برای تأمین علوفه مورد نیاز، حرکت و نقل مکان بین مراتع ییلاق و قشلاق ضرورت می‌یابد (کفیل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۲)؛ بر همین اساس در این شرایط، نگهداری بز با توجه به ویژگی‌های خاص این حیوان در منطقه هوراند، بسیار باصرفه‌تر و اقتصادی‌تر بوده است. ایجاد نگاره بز بر روی سنگ‌های این منطقه، بیانگر محدوده قلمرو عشایر منطقه بوده است.

نقش گوزن، یکی دیگر از نگاره‌هایی بوده که در سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد وضعیت جغرافیایی حوزه قره‌سو و به‌طور کلی شمال غرب ایران، بستر مناسبی برای حضور انواع غزال و آهوا ایجاد کرده

نتیجه‌گیری

سنگ‌نگاره‌های دوه دره‌سی هوراند، جزئی کوچک از مجموعه بزرگ هنر صخره‌ای ارسباران (قره‌داغ) بوده که از منظر کیفیت، کمیت و تمرکز در یک نقطه، کم‌نظیر هستند. مطالعه این نگاره‌ها نشان می‌دهد که نقوش، برگرفته از طبیعت پیرامون، شیوه معیشت و اعتقادات و باروهای جوامع انسانی این حوزه در دوران پیش از اسلام هستند. در یک طبقه‌بندی کلی، بیش از ۲۰۰ نگاره شناسایی شد. این نگاره‌ها در ۴ گروه اصلی؛ الف) انسانی، ب) حیوانی، ج) هندسی و نمادین، د) ابزار، قابل تقسیم هستند. بر اساس جامعه آماری مشخص شد که گروه

حیوانی (بز)، در صدر فهرست قرار دارند. تمام نقوش به صورت نیم‌رخ ایجاد شده‌اند. با مقایسه نگاره‌های حیوانی شناسایی شده در سنگ‌نگاره‌ها با گونه‌های وحشی و بومی موجود در منطقه، می‌توان بیان داشت که نگارگرها در تصویر نگاره‌ها، تحت تأثیر محیط زیست پیرامون خود بوده‌اند. جوامع انسانی که این نقش‌ها را ایجاد کرده، دارای ساختار معیشتی بر حسب دامداری بوده‌اند که با توجه به مطالعات قوم باستان‌شناختی تا چند دهه گذشته، بخشی از الگوی معیشتی مردم، متکی به فعالیت‌های دامداری به خصوص پرورش بز بوده است که بر اساس همان پژوهش‌هایی که در این منطقه انجام شده، الگوی استقرار جوامع ساکن در دوران پیش از تاریخ این منطقه عموماً به صورت کوچ‌روی و بدون ارتباط با استقرار دائم بوده که این امر، تداومی از دوران پیش از اسلام به دوره اسلامی متأخر نیز است.

مسئله مهم درباره این سنگ‌نگاره‌ها، موضوع گاه‌نگاری آنها است. با توجه به اینکه تا کنون مطالعاتی از نوع باستان‌سنجی و آزمایشگاهی درباره این نقوش صورت نگرفته‌اند، بنابراین نمی‌توان گاه‌نگاری مطلق برای این آثار ارائه کرد. با این حال بر اساس مطالعات تطبیقی - مقایسه‌ای و چشم‌اندازهای باستان‌شناختی این حوزه، به نظر می‌رسد سنگ‌نگاره‌ها در دو دوره هزاره دوم و اول ق.م. ایجاد شده و سپس در دوره اسلامی متأخر نیز نگاره‌هایی بر روی سنگ‌ها ترسیم شده‌اند. نتایج مطالعات تطبیقی که در مورد سایر محوطه‌های ایران به خصوص شمال غرب ایران و جنوب قفقاز انجام گرفته، نشان داده که این مناطق در دوره‌های مختلف فرهنگی به شدت تحت تأثیر یکدیگر قرار داشته‌اند و باید در مطالعات هنر صخره‌ای، این مناطق را به صورت یک حوزه فرهنگی مورد مطالعه قرار داد.

پی‌نوشت

۱. وجه تسمیه محوطه، از واژه ترکی "دوه / Dava" به معنای شتر گرفته شده است.
۲. وجود ترکیبات از قبیل؛ زغال، آهن و منگنز، باعث تیره شدن رنگ سنگ‌ها شده است.

منابع و مآخذ

- اسدی، علی (۱۳۸۶). اشکفت آهو پناهگاهی صخره‌ای در شهرستان بستک هرمزگان. *باستان‌پژوهی*، ۲ (۳)، ۷۰-۶۵.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸). نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان. *باستان‌شناسی و هنر ایران*، جلد ۲، ۱ (۳)، ۱۳-۶.
- بایبوردی، سرهنگ (۱۳۴۲). *تاریخ ارسباران*. چاپ اول، تهران: ابن سینا.
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۸). بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس. *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱ (۱)، ۴۳-۲۱.
- بدیعی، ربیع (۱۳۷۸). *جغرافیای مفصل ایران*. چاپ اول، جلد اول، تهران: اقبال.
- برنی، چارلز (۱۳۹۰). *کاوش‌های یانیق تپه*، باستان‌شناسی آذربایجان. ترجمه صمد عیلون، چاپ اول، تبریز: اختر.
- بورنی، مک (۱۳۴۸). گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت. *باستان‌شناسی و هنر*، ۱ (۳)، ۱۶-۱۴.
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن و بیک‌محمدی، نسرین (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی ملایر همدان. *نامه باستان‌شناسی*، ۲ (۲)، ۱۴۰-۱۲۱.
- بیگلری، فریدون؛ مرادی بیستونی، علیرضا و جمشیدی، فریدون (۱۳۸۶). بررسی نقوش غار چشمه سهراب کرمانشاه. *باستان‌پژوهی*، ۲ (۳)، ۵۴-۵۰.
- بیننده، علی و فتاح‌زاده، پریش (۱۳۹۴). نقوش صخره‌ای مشیران. *مجموعه مقالات دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران*. بیرجند: دانشگاه بیرجند. ۱۰-۱.
- پاپی، نادر (۱۳۹۸). *معرفی بزهای بومی ایران*. چاپ اول، کرج: آموزش کشاورزی.
- پوربخشنده، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان اراک. *باستان‌پژوهی*، سال دوم (۳)، ۴۹-۴۶.
- خانی‌پور، مرتضی و عزیزی خرنقی، محمدحسین (۱۳۹۱). سنگ‌نگاره‌های نقش رستم. *باستان‌پژوهی*، سال چهارم (۱)، ۴۴-۳۵.

- دوستی، حسین (۱۳۷۳). تاریخ و جغرافیای ارسباران. چاپ اول، تبریز: احرار.
- رضایی، جمال و کیا، صادق (۱۳۳۰). گزارش نوشته‌ها و پیکره‌های کال جنگال. چاپ اول، تهران: انجمن ایران‌ویج.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۱). سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون). نامه/انسان‌شناسی، ۱ (۱)، ۷۵-۴۵.
- _____ (۱۳۸۳). هنر صخره‌ای در شمال غرب ایران سنگ‌نگاره‌های هوراند (قلان). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران حوزه شمال غرب. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی. ۱۱۱-۱۲۴.
- ری، رک (۱۳۷۲). بررسی وضعیت کوچ‌نشینی در صحرا. ترجمه کیانوش کیانی هفت لنگ، رشد/آموزش، ۲ (۳۴)، ۴۸-۶۶.
- شیخ‌اکبری‌زاده، سمیرا؛ امیرحاجلو، سعید و عرب، حسنعلی (۱۳۹۲). مطالعه تفسیر گرایانه صخره‌نگاره‌های نویافته زه کلوت جازموریان. مطالعات/ایرانی، سال دوازدهم (۲۴)، ۱۹۵-۲۱۵.
- شیدرنگ، سونیا (۱۳۸۶). نقوش صخره‌ای میوله کرمانشاه نویافته‌هایی از شمال کرمانشاه. باستان‌پژوهی، سال دوم (۳)، ۵۵-۶۰.
- صراف، محمدرحیم و بشاش، رسول (۱۳۶۶). گزارش بررسی و شناسایی نقوش صخره‌ای کمرنبشته تويسرکان. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- عرب، کاظم و هورشید، شقایق (۱۳۹۶). نگارندهای کوچ‌روی گلپایگان تحلیل و گونه‌شناسی. پژوهش‌های باستان‌شناسی/ایران، ۷ (۱۴)، ۱۴۰-۱۲۳.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌های در باد. چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فیاض، ابراهیم و ایزدی جیران، اصغر (۱۳۹۰). یاللی: حرکت و معنا در یک رقص آذربایجانی. پژوهش‌های/انسان‌شناسی/ایران، سال اول (۱)، ۳۳-۹.
- قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا و هاشمی زرج‌آبادی، حسن (۱۳۹۴). تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی. پژوهش‌نامه خراسان بزرگ، سال ششم (۲۱)، ۸۲-۵۷.
- قسیمي، طاهر (۱۳۹۸). سیری بر هنر صخره‌ای. باستان‌شناسی، ۴ (۳)، ۴۸-۲۵.
- کاظمی، محمد (۱۳۹۳). "بررسی نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- کاظمی، محمد و رضالو، رضا (۱۳۹۷). سنگ‌نگاره‌های مشکین‌شهر و قره‌داغ. چاپ اول، اردبیل: یاللیق.
- کریمی، فریبا (۱۳۸۶). نگرشی نو به کنندنگارهای صخره‌ای ایران بر مبنای مطالعات میدانی. باستان‌پژوهی، سال دوم (۳)، ۳۵-۲۰.
- کریمی، کیومرث (۱۳۹۲). "بررسی و معرفی سنگ‌نگاره‌های منطقه نواسر هوراند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ هنر باستان. شبستر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- کفیل‌زاده، فرخ؛ اسمعیلی‌زاده، علی و سیدان، مهدی (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداران عشایر کوچنده و اسکان‌یافته مطالعه موردی ایل کرد. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم (۳۸)، ۲۲۳-۲۰۱.
- گاردنر، هلن (۱۳۶۵). هنر در گذر زمان ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ اول، تهران: آگاه.
- لباف‌خانیک، رجبعلی و بشاش، رسول (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- محمدی‌فر، یعقوب و همتی‌ازندریانی، اسماعیل (۱۳۹۳). معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر. فصلنامه علوم/اجتماعی، ۲۱ (۶۴)، ۲۵۲-۲۲۳.
- محمدی‌قصریان، سیروان (۱۳۸۶). مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران مشکلات و راهکارها. باستان‌پژوهی؛ ویژه‌نامه باستان‌شناسی و هنر صخره‌ای، سال دوم (۳)، ۱۷-۱۵.
- محمدی‌قصریان، سیروان و نادری، رحمت (۱۳۸۶). بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خره هنجیران مهاباد. باستان‌پژوهی، سال دوم (۳)، ۶۴-۶۱.
- ملاصالحی، حکمت‌الله؛ سعیدپور، محمد؛ مومنی، آتوسا و بهرام، محمد (۱۳۸۶). باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستانی استان قزوین. باستان‌پژوهی، سال دوم (۳)، ۴۵-۳۵.

- میراسکندری، سید محمود و منصوری، امیر (۱۳۹۵). نقاشی‌های نویافته پناهگاه صخره‌ای مادبان کوه کورونی. *اثر*، ۳۷ (۷۲)، ۱۱۸-۱۰۹.
- ناصری‌فرد، محمد (۱۳۸۶). *موزه‌های سنگی هنرهای صخره‌ای*. چاپ اول، اراک: نوای دانش.
- _____ (۱۳۹۵). *سنگ‌نگاره‌های ایران: زبان مشترک جهانی*. چاپ اول، قم: واصف لاهیجی.
- هال، جیمز (۱۳۸۷). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی، چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- هورشید، شقایق (۱۳۸۶). معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (قلعه ارجق). *باستان پژوهی*، ۲ (۳)، ۸۵-۸۱.
- Aliyev, I. (2007). *Azərbaycan tarixi* [History of Azerbaijan]. Bakı: Elm nəşriyyatı.
- Aliyev, V.G. (2003). Les gravures rupestres de Gemigaya (Azerbaïdjan). *L'Anthropologie*, 107 (5), 695-700.
- Aubert, M.; O'Connor, S.; McCulloch, M.; Mortimer, G.; Watchman, A. & Richer-LaFlèche, M. (2007). Uranium-series dating rock art in East Timor. *Journal of Archaeological Science*, 34 (6), 991-996.
- Azandaryani, E.H.; Mohamadifar, Y.; Nobari, A.H. & Khanali, H. (2015). Azandaryan: newfound petroglyphs in Hamadan, western Iran. *Rock Art Research*, 32 (2), 202-205.
- Binandeh, A. (2016). Looking at Rock Art in Northwest of Iran. *International Journal of Archaeology*, 4 (1), 12-17.
- Burney, C. (1994). Contact and conflict in north-western Iran. *Iranica Antiqua*, 29 (2), 47-62.
- David, B.; Geneste, J.M.; Petchey, F.; Delannoy, J.J.; Barker, B. & Eccleston, M. (2013). How old are Australia's pictographs? A review of rock art dating. *Journal of Archaeological Science*, 40 (1), 3-10.
- Dessau, G. (1960). Rock engravings (graffiti) from Iranian Bäluchistan. *East and West*, 11 (4), 258-266.
- Farajova, M. (2012). L'art pléistocène dans le monde/Pleistocene art of the world/Arte pleistoceno en el mundo Actes du Congrès IFRAO, Tarascon-sur-Ariège, septembre 2010. **Tarascon-sur-Ariège, Société Préhistorique Ariège-Pyrénées (2012)**. 929-942.
- _____ (2018). About specifics of rock art of Gobustan and some innovative approaches to its interpretation ("Firuz 2" shelter). *Quaternary international*, 491 (20), 78-98.
- Gillette, D.L.; Greer, M.; Hayward, M.H. & Murray, W.B. (2014). Introduction to Rock Art and Sacred Places. In **Rock Art and Sacred Landscapes**. New York: Springer. 1-10.
- Halilov, T. (2013) VI-I. YÜZYILLARDA NAHÇIVAN'DA SERAMİKÇİLİK. *Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, 1 (50), 201-210.
- _____ (2017). GAMİKAYA ÇEVRESİNDEN BULUNMUŞ YENİ KAYAÜSTÜ RESİMLERİN BAZILARI HAKKINDA. *Avrasya Uluslararası Araştırmalar Dergisi*, 5 (11), 100-109.
- Kazemi, M.; Someeh, H.N.; Azandaryani, E.H. & Mirzaei, M. (2016 a). An Introduction of ShikhMedi Newly Found Petroglyphs in Meshginshahr, Northwest Iran. *International Journal of Archaeology*, 4 (1), 18-22.
- Kazemi, M.; Someeh, H.N. & Tahmasebi, F. (2016 b). Study of Dash Complex, Petroglyphs in Meshginshahr Northwest of Iran. *Ijsrm*, 5 (1), 317-328.

- Kazempur, M.; Eskandari, N. & Shafizade, A. (2011). The petroglyphs of Dowzdaghi, Northwestern Iran. *Documenta Praehistorica*, 38 (1), 383-387.
- Kushnareva, K.K. & Kušnareva, K.C. (1997). **The southern Caucasus in prehistory: stages of cultural and socioeconomic development from the eighth to the second millennium BC** (Vol. 99). America: University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology.
- Lahafian, J. (2013). Rock Art in Kurdistan Iran. *Arts*, 2 (4), 328-349.
- Muscarella, O.W. (1974). The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran. *Metropolitan Museum Journal*, 9 (1), 35-90.
- Oregan, G.; Petchey, F.; Wood, R.; McAlister, A.; Bradshaw, F. & Holdaway, S. (2019). Dating South Island Māori rock art: Pigment and pitfalls. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 24 (1), 132-141.
- Watchman, A.L. & Mazel, A.D. (2003). Dating Rock Paintings in the uKhahlamba-Drakensberg and the Biggarsberg, KwaZulu-Natal, South Africa. *Southern African Humanities*, 15 (1), 59-73.
- Yates, R. & Manhire, A. (1991). Shamanism and rock paintings: aspects of the use of rock art in the south-western Cape, South Africa. *The South African Archaeological Bulletin*, 46 (153), 3-11.



Received: 2019/06/07

Accepted: 2020/09/12

Introducing the Petroglyphs Dava darasi in Horand County, East Azerbaijan

Saeed Satarnezhad* Siyavash Abdollahi** Kiomars Karimi***
Mosayeb Narimani****

Abstract

Rock art can be regarded as one of the oldest art forms of human societies throughout history. Therefore, the study and analysis of the art of petroglyphs plays a special role in understanding social relationships, beliefs, culture and other aspects of human life. These motifs are of great importance regarding archeological studies of anthropology; anthropology and art history was of great importance, and so far many petroglyphs have been discovered and identified in different parts of the world. The northwestern region of Iran is also one of the prone areas of rock art. During the archaeological excavations on the periphery of the permanent Quru River in the summer of 2012, several collections of petroglyphs were identified. These petroglyphs have a variety of motifs, including human, animal, and symbolic motifs, often scattered on petroglyphs and rarely scratched on the surface of individual rocks. This study investigates and overviews the petroglyphs of the Dava darasi area of Horand County and seeks to answer the following questions: What was the living structure of communities of this area based on petroglyph motifs? And how many categories can the paintings created on the rocks be classified into? The present study has been done by using descriptive-analytical method and data gathered through field and library studies. The results show that these motifs contain human, animal, symbolic and instrumental motifs, and have qualitative and quantitative similarities with the motifs of different regions of Iran. This can be due to the cultural connections and biological and social similarities of communities in these areas. In addition, according to the created petroglyphs, these communities had a livelihood structure based on animal husbandry (nomadism) which was the dominant pattern of pre-historic communities of this area.

Keywords: Northwest of Iran, Dava Darasi, Petroglyphs, Typology, Animal Husbandry

*Ph.D Students in Archeology, Faculty of Social Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
idsattarnejad@yahoo.com

** Ph.D Students in Archeology, Faculty of Social Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

*** MA. Holder, General Directorate of Cultural Heritage and Tourism, East Azerbaijan, Iran.

**** Ph.D Student in Archeology, Faculty of Social Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.